

تپه‌اجم آمریکا، تاوان سازشکاریهای حاکمیت

تسخیر نهایی این مملکت را به دست کمترین شوره این دست و پا رهنما سودا ما صورتی که بی شک در دست دارد گنه مذبحخانه به آنها متوسل خواهد شد. آمریکا از یک ما به پیش آنکارا دست بسته تپه‌اجم زده است. اما چرا؟ چه چیزی سه کارشگر است نه بدتخا وزارت و نه بدتخا را داده است؟ رژیم جمهوری اسلامی پس از ما خرای خاموشانه آمریکا چون منخواست هرچه رود تراش این مسئله خلاص شود با عقب نشینی‌های مداوم آمریکا را خری کرد. بجای اینکه ما بعنوان یک خلق انقلابی به آمریکا تپه‌اجم کرده صورت نفت خود را قطع کنیم آنها دست بیست گرفتند، تزلزل و ما همت سازشکار رژیم به آمریکا اجازه داد که اشکار عمل آوردست یکمرد مردم ما فراموش نگردد

تجاوز نظامی آمریکا بسرم آمریکا به خلق ما به بیان رسوائی که ناسند آن بود رسد. با یاسی که من اشکار شو کردن ما همت تجاوز کارا آمریکا نسیم ، ما همت بسیاری از مدعیان و مدعیان بنهسارو اشکار ، مستقیم و غیر مستقیم آمریکا را نسیم برای توده های وسیعتری اشکار کرد. کار تو که در کمینارزه قدرت برای انتخابات ریاست جمهوری است برای حمل هر چه بر عتق مسئله گروگاشا که دستا و بوی برای مبارزات انتخاباتی شده است ، به دست و پا افتاد. او ایندانه "مفلسیت" بشی مدردل بسته بود و وقتی مقاومت نوده‌ها راه سازش آنان را بر سر می‌درست و تمام می‌نمیرنگهای کار بر موش مردگی او نتجحه مناسبی نداد. دست به تهدیدات جسدی و ما خراجوشیهای رسوائی از قلمل جرحیم اقتصادی و مداخله نظامی زد و سرانجام به

کشتار فجیع انقلابیون در خوزستان

سورشیهای فاشیستی در خوزستان خون سرخ جوانان و مردم زحمتکش میهن داغ دیده ما را تا جوانمردانه تر خاک می‌ریزد. این روزها دستهای بیماور خوزستان، نیزارهای کرانه کارون و آفتاب گرم و سوران ساحل خلیج، شاهان اندوهگس اما لبریز از امید جنایتهای هولناکی هستند که دست ناند. های مزدور و ساه ضد انقلاب و تکلی د د. متسانه تکوفه های آگاهی و اراده انقلابی بی خلق رزمنده ما را آتش جهتی خود سه خاکسپرد بود بدل میارند فلسفهای گرم و بر نیش فرزدان خوب هموایا دلپهای فرزان سار همیر زمانان در تهران و گیلان ، در مشهد و شیراز و در کردستان و در چهار گونه سرزمین دلاور پرور ما و با عتقی مالامال از مهر کارگران و زحمتکشان ، صحنه‌های حماسه و مقاومت را جبهه‌ای تازه می‌بخند. دستجات فاشیستی و باند های ساه ارتجاع چهار سوی میهن ما را خاک و خون میکنند و در این میان حاکمیت ضد خلقی در سنج به شماران زبان و کودکاری بران و جوانان برداختند و میخواهد غمره خاک ما را از وجود ثورهای غم‌وار اراده و آگاهی که چون آتشی هستی ضد خلق راسه با بودی شهید می‌کند ، پاک نارد. حماسات ارتجاع بشمار است. اما حماسات هولناک کشتار فرزدان خلق در سالار شهید داری اهواز نمونه جدید و بی‌مانشایی از سلسله حماسات ارتجاع و حاکمیت ضد خلقی است. روز پنجشنبه ۲۴/۴/۵۹ حاکمان مرتجع در مقابل جتمان خانواده‌های زندانیان در بند در سالار شهید داری اهواز که در باخ فریادهای "مرک بر آمریکای خانواده‌های ملاقات‌کننده خودسرود مرک بر آمریکای حماسات را بر داده بودند به روی آنان آتش کسوده و ۱۵ تن از این دلاوران را به شهیدت میرسانند.

"راه‌کارگر" و وحدت عمل نیروهای چپ در مقاومت دانشگاه تهران

در برابر دسته‌های ساه جمعی داران حزب اللهی و گلوله های سباه با ساداران استادند و از آرادسهای دموکراسیک دفاع کردند . ستاد مشترک مقاومت که توسطه دسترهای دانشجویی سازمان بشنگام ، دانش جوان مبارز ، دانشجویان هوادار سازمان بشکار و دانشجویان هوادار "راه کارگر" بوجود آمدند سازمان دهی مقاومت و وحدت نیروهای چپ انقلابی نقش تعیین کننده و آموزنده ای داشت . این وحدت عمل و مقاومت شجاعانه در برابر حملات ضد انقلابی سناکر وحدت عملی نیروهای چپ در برابر ارتجاع بود

مقاومت حماسه آفرین نیروهای چپ انقلابی در دانشگاه تهران ، و فداکاری شهیدانه دانشجویان و جوانان انقلابی در روز اول اردیبهشت . نقطه عطفی در تاریخ اشعار آسیر جنبش دانشجویی ایران بود دانشجویان و جوانان انقلابی جبر در این روز نشان دادند که سل انقلاب ، نسلی که در کوجه‌ها و لحظه های بر طین تمام سپه ماه با خون و آتش نغمه نافته است ، در برابر ضد انقلاب و در برابر تاریک اندستی تن به تسلیم نمدهد. دانشجویان و جوانان انقلابی جبر در این مقاومت حماسی نشان دادند که براسی فرزدان انقلاب و فرزدان زحمتکشان هستند . آنها با دست خالی ، با سسه هائی مالامال از عتق به زحمتکار عتقی به میهن ، و با گردنهایی بر افراشته

بند در صفحه ۵

آخرین اخبار از

سرکوب و مقاومت در کردستان

در صفحه ۵

بند در صفحه ۵

'راه کارگر' و وحدت...

کارگر در برابر عد انقلاب خواهان آن بود و هنوز هم هست. وحدت در جنبه متحد چپ نمیتواند و نباید جایگزین وحدت درون تشکیلاتی و وحدت ایدئولوژیک باشد. بنساخت دیگر جنبه متحد چپ نمیتواند جایگزین یک حزب باشد. جنبه متحد چپ بر مبنای وحدت ایدئولوژیک بوجود نیاید بلکه نیروهای موجود آورنده آن اختلافات ایدئولوژیک و مرز بندیهای اصولی خود را از طریق یک مبارزه ایدئولوژیک سالم بیان میکنند. جنبه متحد چپ بر مبنای ضرورت وحدت عمل در برابر نیروهای عد انقلاب شکل میگردد و در برابر عد انقلاب بیانگر وحدت انقلابی نیروهای چپ است. بنا بر این جنبه متحد چپ با نگر وحدتی است در مبارزه و بیانگر مبارزه ای در وحدت نیروهای چپ از طریق این جنبه. وحدت خود را در برابر عد انقلاب سازمان میدهند. در همان حال که اصولیت فکری خود را حفظ میکنند و مبارزه ایدئولوژیک را با همدگر ادامه میدهند.

سناد مشترک مقاومت دفتراهای دانش جوان انقلابی چپ انقلابی بهنگامی شکل گرفت که حملات دسته های سواد حزب اللهی ضرورت وحدت عمل این دفاتر را برای همه ملموس ساخته بود. سناد مشترک یک ضرورت عینی و مشخص بود. این سناد همچنین عملاً بهنگامی شکل گرفت که سازمان مجاهدین خلق، نیروهای دانش چوپان انقلابی را در برابر حملات ضد انقلاب تنها گذاشت. با تاسف باید بگوئیم که این اقدام سازمان مجاهدین رها کردن سنت های مبارزاتی مجاهدین بود دانش جوان چپ انقلابی ناگزیر بود به تنهایی در برابر حملات ارتجاع بایستد و دلیلی نداشت که مرزهای سازمانی و ایدئولوژیک مانع مقاومت متحد و مشترک آنان باشد. بنا بر این سناد مشترک بوجود آمد.

متاسفانه وحدت عمل دفاتر دانش جوان چپ، وحدتی نکننده و گذرا بود

شکاف از زمانی بوجود آمد که رئیس جمهور مخالفت خود را با طرح های حزب جمهوری اسلامی شکل فلتیتری بیان کرد. رفقای سازمان فدائی به اختلافات بنسبتی. مدر و حزب جمهوری اسلامی اهمیتی بنسبتی از حد واقع قائل بودند و هستند. بنا بر این ظاهراً برای تقویت موضع بنسبتی. مدر به تدریج به ملایمت و آرام سازی گرا. پیش پیدا کردند. "راه کارگر" معتقد نبود و معتقد نیست که موضع بنسبتی. مدر با موضع حزب جمهوری اسلامی یکسان است. ما قبلاً در نوشته ها و تحلیلها بنسبتی تقریباً به تفصیل در باره اختلافات این دو جریان و خط و محتضات آن سخن گفته ایم. لیکن به اعتقاد ما تضادی ن چیزی نیست که نیروهای انقلابی نتوانند روی آن حساب کنند. تردیبی نیست که نیروهای انقلابی بایستی روی اختلافات و تضادهای هیات حاکمه دقیق شوند و بگویند از این تضادها در جهت تقویت انقلاب بهره برداری کنند. لیکن همانطور که بارها گفته ایم تاکتیکهای انقلاب عمدتاً روی مقاومت و مبارزه نیروهای انقلابی استوار است نه روی اختلافات درونی بالائی ها. در حالیکه تاکتیک های لیبرالی بر اختلافات درونی هیات حاکمه استوار است. نمونه بر جنبه تاکتیک لیبرالی را همین روزها میتوان در موضع گیریهای سازمان مجاهدین خلق مشاهده کرد: آنها روی اختلافات بنسبتی مدر و حزب جمهوری اسلامی تا آن حد حساب میکنند که در لحظات حساس مبارزه عملاً متحد میشوند. این سازمان که مدتها بود روی خطر ارتجاع و ضرورت مبارزه با آن با فشاری میگردد و مخصوصاً در انتقادی که بر مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق در روزنامه "مجاهد" مطرح ساخت، روی مبارزه با ارتجاع تاکید میگردد و منظورشان از ارتجاع حزب جمهوری اسلامی و شرکای آن بود. اما درست در لحظاتی که همبسی ارتجاع، یورش فاشیستی خود را آغاز کرد و حمله به نیروهای انقلابی و ترقی خواه

را شد داد سازمان مجاهدین صفای را خالی کرد: عقب نشینی در دانشگاهها، سکوت در برابر لنگر گئی به گرسنهان و ...

بنظر ما رفقای سازمان فدائی نیز بدلیل تحلیل نادرستی که از حاکمیت دارند (که ما در سلسله مقالات مبارزه ایدئولوژیک سازمان فدائی تا حقیقت باره این تحلیل سخن گفته ایم) درک نادرستی از اختلافات بنسبتی مدر و حزب جمهوری اسلامی داشتند و به شیوه نادرستی این روی اختلافات حساب میکردند.

سازمان فدائی برای طوکیری ارتجاع و گسترش سرکوب معتقد است که باید موضع بنسبتی مدر را در برابر حزب جمهوری اسلامی تقویت کرد. در حالیکه ما معتقدیم بنسبتی مدر نیز خواهان سرکوب نیروهای انقلابی در محور دانشگاه، شوراهای کارگری و گرسنهان است. همان طور که در مقالات شماره های پیشین "راه کارگر" توضیح داده ایم بنسبتی مدر بر خلاف حزب جمهوری اسلامی از هر دو زاویه ضد انقلاب یعنی رفورم و سرکوب استفاده فعالی میکند. ما نمیگوئیم بهروزی تاکتیکهای سرکوب مرحله ای بنسبتی مدر بر تاکتیک سرکوب گذشته - حزب جمهوری اسلامی از نظر منافع نیروهای انقلابی و ترقی خواه هیچ تأثیری ندارد. ما میگوئیم با تکیه بر اختلافات تاکتیک این دو نمیتوان سگرهای مقاومت را از زیر ضربات ضد انقلاب آزاد ساخت. نیروهای انقلاب اصولاً و اساساً باید روی مقاومت و پایداری محاسبه کنند نه روی اختلاف درونی حریف.

در هر حال تحلیل سازمان فدائی از حاکمیت بر موضع گیریهای دانشجویان بهنگام تأثیر داشت. رفقای بهنگام از همان بعد از ظهر اول اردیبهشت در مقاومت به تردید افتادند و بنا بر این اقدامات تک روانه ای دادند. رفقای بهنگام قطعنامه خود را بهنگام ترک مقاومت حتی بدون مشورت دفاتر دیگر



اطمینان دارد حاکمیتی که عمده ترین و حشش با گرفتن نیروهای انقلابی است سرخوست با او را ندارد. درست از یک جنبه نمیتوان جنگید. درست از یک جنبه نمیتوان فاطمیت داشت. حتی کار ترسیر این را در یافته است.

۱ - روزنامه های صبح سوم اردیبهشت ۵۹: کیهان با مداد ...

دست بنسجام میزند. آمریکا بخوبی دریافته است رئیس جمهوری که پس از انزاشت دادن به مرتجعین فاشیست اهورا نوا شید کتار نیروهای مترقی فاشانه به طیبس پرواز میکنند و از مسئله آنچنان صحبت میکند که گوش آمریکا یک شوخی دوستانه کرده است. جقدر میتوانوا واقعا "در مقابل آمریکا موضع تنها جی داشته باشد؟ رابطه حمله آمریکا و مسائل داخلی ایران روشن است. آمریکا

با نگاه ولانه مردوران آمریکائی است ترک دزدور صیق نافله است. ارتش فاشیست ها را برای خلق کرد با راکت و بمب مجهز میکند و در "عالم واقع" بر مردم بی دفاع فرو میریزد مادر "عالم خیال" هواپیماهای آمریکائی را فراری میدهد! آمریکا به اتکای حکومت و ارتشی که بنهانه حمله های محدود و متناوب عراق، سرازیر روانه و رضائیه و نقه در می آورد

کشتار فحیح ...

حرم‌ها داری واسنه و لاجرم امیربالمیزم را اینبار در نکلی انگار به نام سنی صکارا در حاکمیت عد خلق در جائیکه مردم فریبانه شعار مرگ بر آمریکا میدهند روزندگان ضد امیربالمیزم را درست آنگاه که آنها با تمامی نیروها مرگ بر آمریکا سر میدهند، بهرگار سنه و فریادهای کینه و نفرت آنها از امیربالمیزم آمریکا را در حلقوم آنان در هم میکنند. لگه سنگ این کشتار وحشانه حاکمان چگونه قابل توجه است؟! آیا این اوچکسری مبارزات واقعی ضد امیربالمیزمی نیست که این دژخیمان اهریمن خوی را جنس با عریان ساختن ماضیت عد خلقی فاعشان از سیستم واسنه به امیربالمیزم، وادار میبازد؟! آیا این فرزندان در بند مردم محروم و زجر دیده خوزستان بهنگامی که در پاسخ به ندای خانواده‌هایشان میخوانند کینه و نفرت خود و دشمنی آشتی ناپذیریشان با امیربالمیزم را بیان نمایند سرگرم "توطئه" شوند؟ کشتار فحیح این زندانیان با کدامین ملاکها و معیارهای حتی "تبر بشر دوسانه" قابل انطباق است؟ آیا این هولناکتر از جنایت عسامل آریا مهری کشتار ۹ تن از فرزندان خلق در شبه‌های اوین نمیباشد؟! آیا این فاجعه بارتر از ربودن و کشتن فرزندان غیور خلق ترکمن، توماج و... نیست؟ آیا عوامل خونخوار ساواک و آریا مهر جزئی و باران وی را در مقابل دیگمان پدران و مادران آنها بشهادت رساندند؟ آیا غرضی استاندار خوزستان که بر مسند دربار مدنی این قاتل خلق عرب‌نکبه زده است در کشتار مردم خورستان گوی سبقت از گذشتگان برآوازه اش زسوده است؟

این کردار و اعمال ضد انقلاب چیست و با چه منطقی قابل توجیه است؟ حزر منطقی بورشهای فاشیستی نام دیگری دارد؛ او با شان حزب جمهوری اسلامی و کمیته‌های ضد انقلاب که به چنین اعمال فحیحی دست میزنند نام خود را در جرگه جنایتکاران بزرگ تاریخ ثبت نمیکند؟ خلق قهرمان ما قربانیهای بیشماری برای آزادیش برداخته و باز هم خواهد برداخت. اعدام ضد انقلابی‌ها در خور آن رزمنده خلق ما در اهواز بدست نیروهای ضد انقلاب نمونه دیگری از اراده و عزم انقلابی خلق ما برای درهم

روحه مقاومت نیروهای انقلابی در برابر ارتجاع لطمه میزند. اما از طرف دیگر نحوه برخورد گروه‌های دیگر مخصوصا سازمان بیکار در خور انتقاد بود. سازمان بیکار ساکنان زدگی و بدون توجه به نیروی خود و حتی بدون آنکه با نیروهای دیگر در باره طرحهای خود مشاوره کند، یکجا نسیه اقدام میکرد و عملا وحدت عمل نیروهای جنب انقلابی را تضعیف می نمود. این روش سازمان بیکار مخصوصا از روز دوم اردیبهشت نتایج سوء خود را نشان داد. سازمان بیکار اختلافات ایدئولوژیک خود را با سازمان فدائی به مورثی مطرح میساخت که برای وحدت انقلابی نیروهای جنب در برابر ارتجاع و ضد انقلاب را بنابر بود. سازمان بیکار در تبلیغات اقدامات خود بیش از آنکه منافع جنبش انقلابی و نیروها را در برآورد، بر سرافرازی نظر میگردد. منافع گروهی خود میاندیشید. بی تردید این شیوه‌های تبلیغ و عمل رفقای سازمان بیکار وحدت انقلابی نیروهای جنب را در برابر ضد انقلاب تضعیف میکند.

"راه کارگر" سیاست آرام سازی رفقای سازمان فدائی را کاملاً در خور انتقاد میدانست و در عین حال که اقدامات شتاب زده و افراطی را درست نمیدانست معتقد بود حتماً باستی برای تحلیل از شهدای مقاومت دانشگاه و گرامی داشت فداکاری حماسی دانشجویان و جوانان انقلابی و افشای جنایات هیئت حاکمه مرامسی (در شکل مناسب با موقعیت و فضای سیاسی کشور که در نتیجه مقاومت سرتاسری دانشگاه‌ها در برابر حملات ارتجاع بوجود آمده است) برپا گردد. اما رفقای سازمان فدائی در این وظیفه خود کوتاه نمی‌آمدند. غرور انگیز و افتخار آفرین بود این مقاومت پایان نیافته است. ضد انقلاب هنوز هم در سراسر ایران دانشجویان و جوانان انقلابی را به خون میکشد. دانشگاه‌ها تنها نیستند حملات به کارخانه‌ها، به کردستان، دژ بزرگ افتخار و تسلیم ناپذیر انقلاب ایران و به همه کانونهای انقلابی و مترقی ادامه دارد. مقاومت حماسی نیروهای انقلابی پایان نخواهد یافت. کارگران زحمتکار و جوانانی که قیام بر شکوه بهمن ماه را آفریده اند تن به تسلیم نخواهند داد. پرچم مبارزه را برافراشته تر داریم.

کردند و رفقای سازمان بیکار و گروه‌های دیگری که در عمل به آنها می‌پیوستند، روشی در پیش گرفتند که به وحدت و همبستگی نیروهای جنب انقلابی در برابر ضد انقلاب (مخصوصاً در لحظاتی که بیش از هر موقع دیگر این همبستگی ضرورت دارد) لطمه میزد. ما تاگزیر ندیم برای حفظ مولیت ایدئولوژیک خودمان (که نفیبت وحدت عمل نیروهای جنب انقلابی و همچنین نفیبت همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه میبایست با هیچ یک از دو جریان هم‌مداد و هم‌گام نشویم. ما خواستیم با دو دلی و سیاست آرام سازی از یک سو و با کتار بی‌سرم و اقدامات وحدت شکنانه از سوی دیگر رزمیم کنیم.

المنه تردیدی نیست که "راه کارگر" بعد از تخلیه دفاتر دانشجویی و ارتس رفتن وحدت عمل نیروهای جنب انقلابی نتوانست اقدامات مثبت و طرحهای عملی ارائه بدهد و نکلی فعال بارونهای انحرافی هر جریان مبارزه نماید و مقاومت در برابر ضد انقلاب و همبستگی نیروهای جنب انقلابی را محدوداً تقویت کند. و مسلماً از این لحاظ در خور انتقاد است. ما امیدواریم با دریافتن از این تجربه مورثه درگامهای بعدی ضعیفها و اشتباهاتمان را حیران کنیم.

تأومت دلیرانه نسل انقلابی قرائت کردند. دانشجویان "راه کارگر" در قطعنامه مشترکی که با دفاتر دانشجویی دیگر داد از تکروی های انجام شده بدون ذکر نام انتقاد کرد. بعد از ترک مقاومت نیز روش دانشجویان بهنگام و سازمان فدائی کاملاً در خور انتقاد بود. سازمان فدائی، که بزرگترین سازمان جنب انقلابی کشور است، بیش از همه در تحلیل از شهدای حماسه آفرین مقاومت دانشگاه و افشای جنایات هیئت حاکمه (که دانشجویان بی سلاح را به گلوله بسته بود) مؤلیمت داشت. در حالیکه دیدیم سازمان فدائی سیاست آرام سازی را در پیش گرفت. و حتی برای تحلیل از شهدای سز حاضر نشد مراسم ترتیب دهد.

اسدلال رفقای سازمان فدائی در این مورد به روش سازمان مجاهدین در ترک مقاومت شاهد داشت سازمان فدائی طوری عمل کرد که کوشی از مقاومتی که صورت گرفته، بشمان است. "راه کارگر" نمی تواند این سیاست آرام سازی را بپذیرد و باشد کند، چرا که چنین سیاستی به

آخرین اخبار از

سرکوب و مقاومت در کردستان

ارتش آمریکائی جمهوری اسلامی از پنجشنبه ۵۹/۲/۵ تا کنون هر لحظه بر حملات وحشیانه خود به مردم افزوده است. سمنج، سنندج، بزرگان، بیسنجان، کتله و سایر نقاط را در تصرف خود در آورده و سرعام درودیسوار شهر را کتلوا کرده و باقی مانده است. خانه های ویران شده، توسط جاشها و در پناه پاسداران غارت میشود. از آنجا که جمع آوری اجساد باقیمانده در زیر آوارها و در کف خیابانها بعلت شدت تیراندازی ارتش برای مردم امکان پذیر نیست خطر شوع و با شدت شهر را تهدید میکند. بزرگان سمنج از سازمانهای بیسالمللی در خواست کمک کرده اند. یک اکیب پزشکی که از شیر و خورشید تهران اعزام شده توسط ارتش و پاسداران در فرودگاه سمنج متوقف شده و جمعیت کرده های مقیم مرکز از دولت خواسته است که مداخله حفظ سن انسانی و کتوانیون ژنوارا امداد رسانی پزشکی جلوگیری نکنند.

حلق قهرمان کرد همچنان در برابر هجوم وحشیانه دولت مقاومت میکند. روز جمعه مردم دلیر این شهر که بوی خون و باروت گرفته است در مسجد شهر جمع

میشوند و سوگند یاد میکنند که تا آخرین قطره خون خود مقاومت خواهند کرد و هیچ وجه شهر را ترک نخواهند کرد. با وجود اینکه بیشتر پیشمرگان قهرمان کرد در خارج شهر و در مواضع نظامی با ارتش جلاصها هم میجنگند ولی ارتش به مردم عادی شهر از زن و کودک رحم نمی کند. پیشمرگان قهرمان تا کنون ۶۴ قطعه کوبختر را سرنگون کرده اند و مقرسپاه پاسداران در تپه "اربابا" را تصرف کرده اند.

ارتش ۲۰۰۰ نفر را که بعلت تهدید و اخطار ارتش از شهر خارج میشوند محاصره کرده و وعده زیادی از آنها را برای جلوگیری از حملات پیشمرگان قهرمان گروگان گرفته است. ارتش وحشیگری را بحدی رسانده که

آموالان اعزامی از بیمارستان صحرایی شیر و خورشید سوخ را به مسلسل بسته و بزرگ و بسیار و تمام سرنشینان آنرا به قتل رسانده اند. در کرمانشاه هواپیمایی را که برای معماران سمنج میرفت سرنگون کرده اند. پرسنل انقلابی ارتش در تمام شهرهای کردستان در مقابل دستورات فرماندهان مزدور مقاومت

میکند. در پایگاه شاهرخی پرسنل انقلابی ارتش متحصن شده اند و ۲ هواپیمای گس ما مور بمباران سمنج شده بودند. از پاسداران خودداری کرده اند. در مریوان ۱۲۰۰ نفر از پرسنل انقلابی ارتش به مردم پیوسته اند. ارتش در ارومیه دادگاه صحرایی تشکیل داده تا پرسنل انقلابی را تهدید و وادار به کشتار هموطنان خود کند و تا کنون چند طلبان را اعدام کرده اند.

هر پیشمرگ، قهرمان کرد قبل از شهادت دهها پاسدار و ارتشی مزدور را روانه گور میکند. تا کنون صدها پاسدار و ارتشی مزدور کشته شده اند و آخرین اخبار حاکی است روحه ارتش و پاسداران بحدت تضعیف شده است.

مزدوران ارتشی تا کنون چندین بار کوش کرده اند از پادگان سمنج فرار کنند، حتی یکبار لباس کردی پوشیده اند ولی مردم آنها را شاخه و دستگیر کرده اند. پادگان بقر سقوط کرده است در حالیکه مردم شهر سمنج همچنان دلیرانه به مقاومت ادامه میدهند.

کشتن بنیادهای ارتجاع و امپریالیزم است. یارده تن از دختران از جان گذشته و بی باک خوزستانی که با خلق خویش پیوندی استوار داشتند توسط ضد انقلاب در دحمه های زندانی میگردند. این یارده تنی که دلآوری و سماکی را همچون گنجه گرانهای مبارزات خلق خویش پاسداری میکردند حورانه اقدام به فرار میکنند. پس از آنها موفق به فرار شده و عتسن دیگر تا کام کشته و بلافاصله بهت دژخیمان ضد خلق تیر باران میشوند. این سندن دیگری از سهیت ارتجاع و برک دیگری از کوشهای قهرمانانه فرزندان کارگران و زنجبران میهن ما است. خلق ما خاطره

گرامی شهدا خود راهگر از یاد نخواهد برده جاودان یاد با داین شهدا، خلق ما با افزودن بر یگانگی اتحاد خود و با آگاهی هر دم گسترده نراز ماهیت ضد خلقی حاکمان و اعمال سیاه دستجات فاشیستی و بانهای سیاه ارتجاع، آنچنان دژی استوار از اراده و مقاومت بر پا خواهد ساخت که تمامی تلاشهای ضد انقلاب در بای دیوارهای آن ناتوانی و زبونی خود را بوضوح خواهد دید.

به گلوله بستن انقلابیون و فرزندان مبارز خلق، دستگیریهای گروهی و بسی حساب، اعدامهای بدون محاکمه و سندن استثنای شیر دختران میهن، تجاوز بسنده

آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، بیورش به سازمانها و نهادهای انقلابی و مردمی، کشتار دانشگاهها... و بالاخره بمباران وحشیانه شهرهای کردستان و حاک و خون کشیدن دلبران کرد با سخی است. که رژیم به موج فزاینده مبارزه طبقاتی و به لبرزه افتادن پایه های نظام سرما به داری وابسته در سر زمین ما میدهد. بی تردید خلق ما با کوشش در استحکام وحدت مبارزاتی خود و افشای هر چه بیشتر ماهیت ضد انقلابی حاکمان و بالا بردن توان مقاومت فعال خود پاسخ متقابل و مناسبی برای کرداندگان جمهوری اسلامی تدارک خواهد دید.

مقاومت در برابر یورش ارتجاع، دفاع از دستاوردهای انقلاب است